



سلام

روز دختر بر دخترخانم‌های ناز مبارک!

سلام به دوستان خوب و مهربونم. سلام به بچه‌های هم سن و سال من و داداش کوشا. حالتون خوبه؟ مامان و بابا و خاله و عمو خوبن؟ امیدوارم توی این روزهای گرم و پر نور و قشنگ تابستون، اگه مشغول کلاس‌هایی مثل زبان‌انگلیسی و شنا هستید، موفق باشید و اگه معمولاً توی خونه‌اید، سرتون با بازی و نقاشی و تماشای کارتون‌های قشنگ، گرم باشه. می‌دونم که خیلی‌هاتون، به این خاطر که پدر و مادرتون کارمند هستند، به ساعت‌هایی از روز توی خونه تنهایی یا حتی اگه مامان کنارتون باشه، ممکنه نتونه مدام براتون وقت بذاره. پس مهمه که بتونید خودتون، برای خودتون مشغولیت‌های خوب مثل درست کردن کاردستی، خواندن کتاب، گوش دادن به کتاب‌ها و قصه‌های صوتی و... دست و پا کنید و هی غر نزنید که: حوصله‌م سر رفت، حوصله‌م سر رفت. راستی بچه‌ها! سه‌شنبه پیش رو، تولد حضرت معصومه (س)، خواهر مهربون امام رضای رئوف و روز دختره. روزی برای تمام دخترخانم‌های ناز و قشنگ و مهربون ایران، مثل من. دخترهای باهوش و خلاق، روزتون مبارک.



شعر



تولد حضرت معصومه (س) مبارک

حضرت معصومه، خانه دارد در قم
خواهر است آن حضرت، با امام هشتم
مرد و زن، پیر و جوان، دوست دارند او را
دیدنش می‌آیند، از تمام دنیا
دختری نورانی است، نوهی پیغمبر (ص)
روز میلادش هست، عید و روز دختر

شاعر: عفت زینلی

قصه

کرم کوچولو به گردش می‌ره!



کرم کوچولو سرش را از خاک درآورد. هوا به تنش خورد. خیلی خوشش آمد. به مادرش گفت: «مامان جون! من می‌خوام برم گردش» مادرش گفت: «من الان کار دارم. نمی‌تونم تو رو ببرم گردش» کرم کوچولو جواب داد: «اجازه می‌دی تنهایی برم؟» مادرش گفت: «برو اما زیاد دور نشو. تو هنوز خیلی کوچولویی» کرم کوچولو گفت: «چشم» و راه افتاد و رفت. تند و تند روی زمین می‌خزید و با خودش می‌گفت: «آخ جون! من بزرگ شدم و تنهایی اومدم گردش» کرم کوچولو حرف مامانش را فراموش کرد. کمی از لانه دور شد. دو تا گنجشک آمدند بالای سرش. یکی از گنجشک‌ها گفت: «به‌به! چه کرم خوشمزهای، آن یکی گفت: «تپلی هم که هست» کرم کوچولو خیلی ترسید. دو تا گنجشک داشتند سر خوردن او با هم حرف می‌زدند. کرم کوچولو هم فرار کرد و رفت. از بس ترسیده بود، نمی‌توانست راه لانه را پیدا کند. ولی حواسش را خوب جمع کرد تا بالاخره لانه را پیدا کرد. مادر از برگشتنش خیلی خوشحال شد. او را بوسید و گفت: «داشتم نگران می‌شدم. خدا رو شکر که صحیح و سالم برگشتی خونه عزیزم!»



شعر

دکمه‌ی فراری!

دکمه‌ی آستین نی نی
شل شده بود و کنده شد
تو بازی قایم باشک
دکمه‌ی اون برنده شد
نی نی نفهمید کجارت
اون دکمه‌ی سر به هوا
چه طور قایم کرد خودشو
یه دکمه‌ی بی دست و پا
مامان می‌خواد تا دکمه رو
پیدا کنه زود بباره
بانخ و سوزن بدوزه
اون و سر جاش بذاره
نی نی می‌گه: مامان جونم!
بذار تا دکمه شاد باشه
خسته شده از آستینم
دلش می‌خواد آزاد باشه

شاعر: بنفشه رسولیان



دانستنی‌ها

دنیای شگفت انگیز حشرات!

بچه‌ها! دنیای ما، پر از شگفتی‌های عجیب و جالبه. یکی از این شگفتی‌های طبیعت، حشرات بامزه‌ایه که حداقل در کشور ما، کمتر دیده شده. امروز با بعضی از اون‌ها آشنا می‌شیم.



کرم سبز بید: یک کرم تپل با چهره‌ای شبیه آدم فضایی‌ها یا خون آشام‌های فیلم‌های ترسناک. چهره‌ای که روش دفاعی این موجود در برابر دشمنانش است.



گل شیطان: بزرگترین حشره‌ای که تا به حال کشف شده، با سیزده سانتیمتر قد، همین مانتیس غول‌پیکری است که به پادشاه یا ورزشکار حشرات هم معروف است.



مانتیس ارکیده: یک مانتیس زیبا، شبیه گل ارکیده که در گل‌ها پنهان می‌شود و منتظر می‌ماند تا شکارش نزدیک و نزدیک‌تر شود.



سوسک هرکول: یک سوسک شاخ‌دار یا کرگدن که گاهی تا هجده سانتیمتر قد می‌کشد و می‌تواند تا چندین برابر وزن خود را تحمل کند. با این همه گیاهخوار است و مهربان.



پروانه پلنگی: یک پروانه غول‌پیکر که بر روی بال‌هایش، طرح و الگوهای سیاهی، شبیه طرح پوست پلنگ دارد.

چیستان

۱. اون چیه که پنج تا انگشت داره ولی دست نیست؟
۲. اون چیه که وقتی تمیزه، سیاهه و وقتی کثیفه، سفید؟
۳. اون کدوم حیوونه که اگه سرش رو ببریم، عضوی از بدن میشه؟
۴. اون چیه که چهارتا پا داره ولی راه نمیره؟
۵. اون کدوم کشوره که توی پیشانی ماست؟

۱. دستکش
۲. تخته سیاه
۳. خرگوش
۴. میز / صندلی
۵. چین

لطیفه

- به یه پشه می‌گن: چرا شما زمستون پیداتون نیست؟ می‌گه: نه اینکه تابستونا خیلی بر خوردتون خوبه!
- سوسک کوچولو کنار وان حمام زندگی می‌کرد، به دوستاش می‌گفت: ویلای ما کنار دریاست.
- به یه حلزون می‌گن: یه دروغ شاخدار بگو. می‌گه: دویدم و دویدم، سر کوهی رسیدم!
- تمساحه می‌ره گدایی، می‌گه: به من بدبخت مارمولک کمک کنید!

